

تأثیر رسانه‌ها در ایجاد تفاوت بین نسلها

طاهره میرساردو*

شکاف نسلها پدیده‌ای جدید و مختص جامعه ما نیست، امواج الکترونیکی با سرعتی هرچه افزونتر، جهان را در می‌نوردند و در این راستا، کشورهایی که نتوانند خود را با تکنولوژی همساز نمایند دچار به هم ریختگی فرهنگی می‌گردند. یکی از پیامدهای این به هم ریختگی فرهنگی شکاف نسلهاست. شکاف نسلها، ناشی از نقص در جامعه‌پذیر سازی جوانان است. در این مقاله نخست به تغییرات در جهان کنونی و تفاوت آن با گذشته، سپس نقش وسایل ارتباطی الکترونیکی در ایجاد شکاف میان نسلها و سپس به نقصان در جامعه پذیری به عنوان عامل اصلی شکاف نسلها و در نهایت ارائه راهکارها، اشاره شده است. بوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تغییر و دگرگونی از ویژگیهای جوامع بشریست هیچ جامعه‌ای را نمی‌یابیم که ایستا باشد، بنابراین تغییر اصل اول حیات اجتماعی است. آهنگ حرکت و پویای اجتماعی در تمامی زمانها و جوامع یکسان نیست، اما بدون شک جامعه جدید بستر عمیق‌ترین و سریع‌ترین تغییرات در تاریخ بشر می‌باشد. در گذشته‌های دور شاهد تغییراتی آرام و کند بودیم، بنابراین، میان ارزشها، هنجارها نگرشها و اعمال نسلها

*-عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد گرمسار

تفاوت چندانی مشاهده نمی‌شد. تمامی باورها، هنجارها و تجارب یک قوم به نسلهای جوانتر آموزش داده می‌شد. فرهنگ جامعه بدین وسیله از نسلی به نسل بعد انتقال می‌یافت. در تمامی جامعه به تعبیر دورکیم تشابه و همانندی مشاهده می‌شد و نظارت جمعی امکان بدعت‌گذاری را به شدت محدود می‌ساخت. اما با سرعت گرفتن تغییرات اجتماعی از یکدستی و همگنی پیشین حاکم بر جامعه کاسته شد و در نتیجه نظامهای فکری، ارزشی و رفتاری متفاوتی میان گروههای مختلف رواج یافت، در این فرایند به تعبیر دورکیم شاهد اختلاف و به تعبیر اسپنسر شاهد ناهمگنی می‌باشیم.

امروزه جوامع همانند قبیله‌ای به هم پیوسته یا به قول مک لوهان دهکده جهانی می‌باشند که هر تغییر بزرگ در تمامی جهان انعکاس می‌یابد. پدیده تغییر پدیده‌ای نیست که تنها کشور ما با آن مواجه باشد بلکه تمامی کشورهای جهان چه پیشرفته و چه در حال توسعه با آن روبرو هستند. بنابراین، از یکسو با دوران گذاری مواجهیم که جهان با آن مواجه است و از سوی دیگر با دوران گذار جامعه ایران رودرو هستیم که در این فرایند زندگی سنتی و ارزشها و هنجارهای حاکم بر آن در حال تغییر است و حرکت به سوی زندگی مدرن که حاصل صنعتی شدن است، تداوم دارد. رشد سریع وسایل ارتباطی و سرعت انتقال اطلاعات و استفاده از وسایل ارتباطی نظیر ماهواره، رایانه، اینترنت، تلویزیون و رادیو سبب شده است تا روند این تغییرات سرعت بیشتری به خود گیرد.

این سرعت در تغییرات اجتماعی موجب ایجاد نوعی ناسازگاری روانی، اجتماعی، اخلاقی بین نسل گذشته و نسل امروز شده است. که به بیان جامعه شناختی پدیده شکاف نسلها را موجب گردیده است. البته هنگامی که از شکاف

نسلها سخن به میان می‌آوریم مسأله صرف وجود تفاوت میان دو نسل نیست، بلکه شدت اختلافات است که می‌تواند مسأله ساز گردد. هر چه بر سرعت تغییرات مبتنی بر دانش فنی افزوده شود، طبعاً تعارض میان نسلها نیز عمیق‌تر خواهد شد. زیرا نسل جوان آمادگی بیشتری برای پذیرش تغییرات دارد. تفاوت میان سلائق و خواسته‌های دو نسل طبیعی است اما هنگامی که این تفاوت‌ها شدت می‌گیرد و نسل قبل توان آن را ندارد که نسل جدید را همگام و هماهنگ با تغییرات سریع جامعه‌پذیر نماید یا فرهنگ حاکم بر نسل خویش را به گونه‌ای در وی درونی سازد که کمتر از تغییرات متأثر گردد، در اینجا است که با عدم انطباق دو نسل و در نتیجه شکاف نسلها مواجه می‌گردیم. شکاف نسلها را می‌توان اینگونه تعریف کرد: پدیده‌ایست که نشانگر وجود اختلاف عمیق و گسترده میان دو نسل می‌باشد.

رسانه‌های جمعی و تغییر:

در عصری زندگی می‌کنیم که تغییرات و پیشرفتهای علمی و اجتماعی با سرعت انجام می‌گیرند. در میان مظاهر مختلف تکنولوژی، وسایل ارتباطی الکترونیکی بیش از بقیه در ایجاد تغییر و تحول در نگرش افراد مؤثر است. در گذشته تغییر و تحول در نگرشها به کندی صورت می‌گرفت، اما به تعبیر تافلر با ورود به موج سوم، جامعه به مرحله گذار به عصر الکترونیک وارد می‌گردد. این گذار از زندگی سنتی به سوی زندگی مدرن و صنعتی، جامعه را دچار نوعی بحران می‌کند که در پی آن نخست چارچوبهای فرهنگی دچار تغییر می‌گردند.

در این عصر وسایل ارتباطی همچون شبکه‌های رایانه‌ای و ماهواره‌ها در انتقال اطلاعات نقش مؤثری دارند. این وسایل با خود شرایط جدیدی را برای

زندگی به همراه می‌آورند، و در این فرایند هیچ کشوری را نمی‌یابیم که خواسته یا ناخواسته از مواجهه با سیلاب عظیم امواج جهانی در امان بماند.

این وسایل در پیدایش عادات جدید، تکوین فرهنگی جهانی و تغییر در رفتار و خلق و خوی انسانها سهمی شگرف دارند. بنابراین، از یکسو رسانه‌های جمعی، اعضای جامعه را با سرعت و بطور مداوم در معرض اطلاعات اخبار و پیامدهای جدید جهانی قرار می‌دهند که شامل پیامهایی است که در خارج از کشور تولید شده و به جامعه ارسال می‌گردد و در این فرایند کشورهای فرستنده پیام علاوه بر انتقال علم و فناوری پیامهای فرهنگی ارسال می‌دارند که فرهنگ اصیل بومی رادر معرض تهاجم قرار می‌دهند.

این پیامها به خصوص نسل جوان ما را نشانه می‌گیرد، زیرا، این نسل حساستر، ظریفتر، کم عمق تر، پرنوسان تر و به همان اندازه بی تجربه تر است. در این فرایند هنگامی که جوانان توان انطباق با چیزهایی را که در خارج از متن فرهنگی جامعه به درون این متن نفوذ می‌کند ندارند، دچار بحران و تنش می‌گردند یکی از نمودهای این فرایند بحران فرهنگی شکاف نسلهاست. نسل جوان اطلاعات و آگاهی بیشتری در پرتو پیشرفت علمی، تکنولوژیکی کسب کرده و نسل قبل، بر داشته‌های خود تعصب می‌ورزد. در اینجا نقش رسانه‌های جمعی داخلی به عنوان یکی از عوامل جامعه پذیری در کنار خانواده، گروه همسالان، مدرسه و نهادهای جامعه حساستر می‌گردد.

عدم هماهنگی جامعه پذیری با تغییرات عامل اصلی شکاف نسله

جامعه پذیری (Socialization) فرایندی است که بدان وسیله فرد هنجارها، ارزشها

ونگرشهای گروههایی را که در میان آنان زندگی می‌کند درونی می‌سازد، بطوری که خود (Self) منحصر به فردی متجلی می‌گردد. فرایند جامعه‌پذیری مختص دوران خاصی از زندگی نیست، بلکه در سرتاسر زندگی فرد تداوم دارد و با ورود به زمان و فضای اجتماعی خاص، ضرورت دارد، فرد متناسب با آن اجتماعی گردد.

خانواده، مدرسه، گروه همسالان، رسانه‌های جمعی و نهادهای اجتماعی همچون مذهب و سیاست عهده‌دار فرایند جامعه‌پذیری هستند. اینان به فرزندان جامعه می‌آموزند که چگونه رفتار کنند، چگونه فکر و قضاوت کنند، چه چیزهایی را ارزشمند یا ضد ارزش بدانند. به عبارت دیگر فرهنگ جامعه از این طریق منتقل می‌شود و آنان نیز این فرهنگ را درونی می‌سازند و در مراحل دیگر عهده‌دار انتقال آن به نسلهای بعدی می‌شوند. بدین ترتیب فرد روش برقرار ساختن ارتباطات مؤثر با دیگران و بهره‌گیری از میراث گذشتگان را فرا می‌گیرد و نه تنها رابطه وی با معاصرین میسر می‌گردد بلکه برقراری ارتباط و درک گذشتگان نیز برایش امکان‌پذیر می‌گردد. طبعاً نسل جدید کاملاً همانند نسل قبل نخواهد بود، زیرا، از یک طرف، حتی در درون یک نسل هم اختلاف سلیقه و نگرش مشاهده می‌شود و از طرف دیگر نسل قبل نیز تحت تأثیر تغییرات در حال تحول و دگرگونی است. بنابراین، حتی اگر فرایند اجتماعی شدن کامل و بدون نقص صورت گیرد، باز تفاوت‌هایی میان نسلها مشاهده می‌شود، اما این تفاوتها چندان نیست که دو نسل نسبت به هم احساس بیگانگی نمایند. هنگامی که این تفاوتها موجب اختلال در هم‌نوایی جمعی گردیده و مشترکات زندگی جمعی را به حداقل برساند همزیستی را دشوار کرده و زمینه ساز تنش و تضاد می‌گردد.

در صورتیکه یکی یا تمامی نهادهای اجتماعی کردن، کاستی یا نابسامانی

در این فرایند داشته باشند، اجتماعی شدن جوانان دچار اختلال خواهد شد، که نتیجه آن بروز نابهنجاری در فرد و جامعه می‌گردد. یکی از این نابهنجاریها شکاف نسلی است.

شکاف نسلی (generations gap) نوعی نابسامانی در جامعه است که آثار و عوارض سوء مخصوص به خود را داراست. شکاف نسلی نتیجه تعارض یا دست کم اختلاف میان آموزه‌های گروه‌های مرجع دو نسل متفاوت است. البته نکته مهم در اینجا میزان اختلاف میان نسل جدید و نسل قبل است. تکنولوژی ارتباطی به عنوان عاملی برون مرزی توانسته است در روند جامعه‌پذیری نسل انقلاب اختلال ایجاد کرده و مرجع ارزشی وی را تغییر داده و به مرجع ارزشی خارجی پیوند زند. در چنین شرایطی، نسل جوان احساس بی هویتی کرده و میراث فرهنگی کشور مورد بی مهری و بی اعتنائی وی واقع خواهد شد. ورود تکنولوژی و دانش فنی، تحصیل و رشد آگاهی جوانان امروز از یکسو و ضعف در انتقال فرهنگ نسل قبل از سوی دیگر از جمله عواملی هستند که برای ایجاد شکاف بین نسلیها دامن می‌زنند. به هنگام ضعف در انتقال فرهنگ، فرهنگ‌پذیری (acculturation) یک سویه می‌گردد. وجود ماهواره‌ها، رایانه، اینترنت و وسایل دیگر بطور قطع در فرایند فرهنگ‌پذیری یک سویه، اثرات عمیقی به دنبال دارند. در این جا نقش جامعه و خصوصاً خانواده اهمیت زیادی دارد، زیرا، توانایی نسل قبل در روش انتقال فرهنگ گذشتگان به نسل نو که منجر به پذیرش آن می‌شود می‌تواند از یکسویه شدن جریان فرهنگ‌پذیری جلوگیری کند.

راهکارهای مقابله با شکاف نسلها

قشر عظیمی از جمعیت ما را جوانان تشکیل می‌دهند. برای این خیل عظیم، هیچ چیز جاذبی وجود ندارد، کسب علم و دانش برای او بر اساس عشق و علاقه نیست، امکان کار و اشتغال بطور سالم و جدی برای وی وجود ندارند، اقتصاد ناسالم او را تحت فشار دارد، زمینه ازدواج و تشکیل خانواده برای او فراهم نیست. بنابراین این همه تنگنا جوان را سردرگم و پریشان می‌سازد. نسل جوان نتوانسته هنجارهای مقبول خود را از دل سنت و فرهنگ بومی خویش استخراج نماید، نمی‌داند، از فرهنگ‌های دیگر چه چیزهایی بگیرد. کشورهای خارجی نیز از این وضعیت بیشترین استفاده را کرده و با استفاده از تکنولوژی ارتباطات، جوانان ما را به شدت در معرض فرهنگ مورد نظر خویش قرار داده‌اند.

بنابراین، ضرورت دارد با استفاده از راهکارها و سیاستهای فرهنگی مناسب، زمینه‌هایی را فراهم کنیم تا جوانان ما فرهنگ اصیل اسلامی و ملی خویش را درونی ساخته و از تهاجم فرهنگی در امان بمانند. بدین منظور می‌توان از راهکارهایی به شرح زیر استفاده نمودند:

- ۱- سالم سازی ساختار اقتصاد و ایجاد زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مناسب با روز برای جوانان.
- ۲- آشنا ساختن نسل قبل با تغییرات و باور کردن نیازهای جوانان که هماهنگ با فرهنگ تکنولوژی جدید است.
- ۳- توجه به عوامل مؤثر بر جامعه پذیری جوان که در خارج از مرزها قرار دارند.
- ۴- عمل نمودن علمی و برنامه ریزی شده نهادی جامعه‌پذیر کننده با تکیه بر درونی سازی هنجارها، اندیشه‌ها و باورها.

منابع

- ۱- پهلوان، چنگیز، فرهنگ‌شناسی، تهران، نشر پیام امروز، ۱۳۷۸.
 - ۲- تافلر، آلوین، موج سوم، شهیندخت خوارزمی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲.
 - ۳- زارع، مریم، پژوهشی در فرهنگ عمومی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
 - ۴- ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، نشر کیهان، ۱۳۷۰.
 - ۵- کری، جیمز، دلیو، ارتباطات و فرهنگ، مریم داداشی، تهران، نشر نقطه، ۱۳۷۶.
 - ۶- گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴.
 - ۷- مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، تهاجم فرهنگی، تهران، معاونت انتشارات مرکز فرهنگی سپاه، ۱۳۷۸.
 - ۸- هنسون، جریس- نارون، اوما، تکنولوژی‌های جدید ارتباطی در کشورهای در حال توسعه، داود حیدری، تهران، مرکزی مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۳.
- 9-Paul B.Horton & Chester L.Hunt; sociology, 1984, Mc Grow-Hill.